

قاتل فراری در زندان شناسایی شد

■ **غلام رضا مسکنی** مرد ۴۸ ساله‌ای که تنها برای گرفتن کارت یک گوشی تلفن همراه، به دنبال فروشنده‌اش رفته بود، بی آنکه بداند راز یک سرقت را فاش کرد و گرفتار نقشه مرگبار سارق سابقه‌دار شد؛ نقشه‌ای که بازیر گرفتن عمدی، شکنجه و قتل پایان یافت. مأموران سارق قاتل را در زندان شناسایی کردند و به دام انداختند. صبح جمعه هشتم فروردین ماه امسال، مأموران پلیس تهران با شکایت خانواده مردی به نام اکبر در جریان ناپدیدشدن مشکوک او قرار گرفتند. همسر این مرد ۴۸ ساله در شکایت خود گفت: «اکبر در یک چاپخانه کار می کرد و جمعه‌ها تعطیل بود. صبح روز حادثه گفت با یک نفر قرار دارد و از خانه بیرون رفت، اما دیگر برنگشت. تا نیمه شب منتظر ماندیم و با بستگان و دوستان تماس گرفتیم، ولی هیچ کس خبری از او نداشت. نگران شدیم والان احتمال می‌دهیم برای او اتفاقی رخ داده و در خواست کمک کردیم.»

■ **شروع تحقیقات پلیس** پرونده با دستور بازپرس جنایی به تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی ارجاع شد. مأموران در اولین بررسی‌ها از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و پزشکی قانونی استعلام گرفتند، اما مشخص شد هیچ فردی با مشخصات اکبر در بین مصدومان یا متوفیان نیست.

در حالی که تحقیقات ادامه داشت، ۲۴ساعت بعد پلیس اطلاع یافت که مرد گمشده در حالی که خونین نیمه‌جان بوده به خانه بازگشته و خانواده او نیز بلافاصله وی را به بیمارستان منتقل کرده‌اند.

■ **بازگشت نیمه جان** همسر اکبر توضیح داد: «پس از دو روز بی خبری، ناگهان زنگ خانه به صدا درآمد. وقتی در را باز کردیم، اکبر با بدنی خونین و حالتی نیمه‌جان داخل شد. به سختی حرف می‌زد و گفت در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر با خودرو به او زده‌اند و بعد مردی به نام فرژاد او را شکنجه کرده‌است. بعد ی‌هوش شد و ما او را سریع به بیمارستان رساندیم.»

■ **مرگ مشکوک و تغییر مسیر پرونده** با پیدا شدن اکبر، پرونده گمشده‌بودنش بسته شد، اما کارآگاهان منتظر به هوش آمدن او ماندند تا توضیحات دقیق‌تری از حادثه دریافت کنند. با این‌حال، چهار روز بعد تیم پزشکی اعلام کرد اکبر بر اثر جراحات شدید جان باخته‌است. با اعلام فوت، پرونده دوباره روی میز قاضی محسن اختیاری، بازپرس ویژه قتل دادسرای جنایی تهران قرار گرفت و

گوشی را به او بدهم. بعد هم تهدید کرد اگر کارت ن گوشی با پول او را پس ندهم به کلانتری می‌روم و راز سرقت مرا فاش می‌کند. به همین دلیل تصمیم گرفتم او را کتک بزنم و بترسانم.

■ **بعد چه شد؟** روز حادثه به بهانه تحویل کارت ن گوشی با او در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر قرار گذاشتم. با نقشه قبلی از قبل در کنار خیابان با خودروی فایلمان منتظرش ماندم و وقتی به محل آمد با خودرو به او زدم. بعد او را سوار خودرویم کردم و به خانه ام بردم. آنجا او را کتک زدم و تهدیدش کردم تا شکایت نکند که حالش بد شد و از ترس او را در نزدیکی خانه‌اش از هـا کردم. فکر نمی‌کردم این حادثه باعث فوت او شود.

■ **چه شد به زندان افتادی؟** من سارقم و عضو یکی از باندهای سرقت منازل هستم که یک ماه بعد از حادثه حین سرقت دستگیر شدم و به زندان افتادم.

■ **سابقه ما داری؟** بله. چند باری به زندان رفته‌ام و یک سال قبل از درگیری مر برای آخرین بار از زندان آزاد شده‌بودم.

■ **فکر می‌کردی شناسایی شوی؟** نه. وقتی به زندان افتادم، تصور می‌کردم که شناسایی نشوم.

■ **حرف آخر؟** پشیمانم. من سارق بودم، اما یک گوشی سرقتی است و از من می‌خواست گوشی را تحویل بگیرم و پولش را پس دهم یا کارت ن

صبح دیروز در مراسمی در تهران بیش از ۲۰ تن انواع موادمخدر غیر قابل استحصال امحا شد. سردار احمدرضا ادران، فرمانده کل انتظامی، معضل موادمخدر را یک مسئله ملی دانست و بر لزوم مقابله قاطع با قاچاقچیان، خرده‌فروشان و ساماندهی معتادان متجاهر تأکید کرد. همزمان تهران بزرگ از کاهش تعداد معتادان متجاهر از ۲۱ هزار نفر به کمتر از ۱۱ هزار نفر خیر داد.

سردار ادران با اشاره به ابعاد گسترده موادمخدر گفت: «تمام خرجه موادمخدر، از ورود و ترانزیت گرفته تا خرده‌فروشی، مصرف و معضل اجتماعی معتادان به مسئله‌ای ملی تبدیل شده است. این موضوع مطالبه جدی مردم، پلیس، دولت، مجلس و قوه قضائیه است.» گزارش پزشکی قانونی نشان داد روی بدن اکبر علاوه بر آثار تصادف، نشانه‌های واضح شکنجه وجود دارد و علت مرگ اصابت ضربه جسم سخت به سر بوده‌است. کارآگاهان با بررسی محل ملاقات اکبر و فرژاد، دوربین‌های مداربسته را بازبینی کردند. تصاویر لحظه وقوع حادثه را به وضوح نشان می‌داد. دوربین‌ها ثبت کرده بودند اکبر کمی قبل از حادثه کنار خیابان منتظر فردی بوده‌است. یک خودروی پژو در نزدیکی او توقف می‌کند و لحظه‌ای بعد با سرعت به اکبر برخورد می‌کند و او نقش زمین می‌شود. سپس، راننده، مرد زخمی را زور بازو داخل خودرو می‌کشد و محل را ترک می‌کند. این فیلم‌ها نشان داد که اکبر ابتدا عمدآ زیر گرفته و سپس روده و شکنجه شده‌است.

■ **ردیابی خودرو و رسیدن به متهم** با به دست آمدن این اطلاعات شماره پلاک خودرو شناسایی شد و پلیس مالک آن را احضار کرد. او در بازجویی گفت روز حادثه خودرو را به امانت در اختیار فردی به نام فرژاد گذاشته بود و از تصادف و آدم‌ربایی بی‌خبر است.

تحقیقات نشان داد گفته‌های او درست است. مشخص شد فرژاد یک سارق سابقه‌دار است که چند بار به زندان افتاده و دوباره به سرقت روی آورده‌است.

■ **دستگیری قاتل در زندان** بررسی‌ها نشان داد فرژاد یک ماه پس از حادثه به اتهام سرقت دستگیر شده و در زندان تهران بزرگ به سر می‌برد. به دستور بازپرس، او از زندان به اداره پلیس منتقل شد. صبح دیروز، فرژاد در دادسرای امور جنایی مقابل قاضی اختیاری به قتل اکبر اعتراف کرد و گفت به دلیل اختلاف ۵۰میلیون تومانی با مقتول، او را با نقشه قبلی زیر گرفته، روده و شکنجه کرده‌است. متهم برای ادامه تحقیقات در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

■ **گوشمالی مرگبار** فرژاد که عضو یک باند حرفه‌ای سرقت منازل در تهران است، بارها به اتهام سرقت بازداشت و روانه زندان شده‌بود. او این بار به دلیل فروش یک گوشی سرقتی به فردی و بروز اختلاف با او، دست به جنایتی مرگبار زد.

■ **هر روز که امر رسمی تصادفات اعلام می‌شود، پرسشی تکراری و سنگین بر ذهن جامعه می‌نشیند؛ چرا جان شهروندان همچنان در جاده‌ها ز دست می‌رود؟ سؤال ساده است، اما پاسخ آن سال‌هاست که میان دستگاه‌های مختلف، قوانین نهم‌جان و زیرساخت‌های فرسوده گم شده است. نشست اخیر پلیس راهور فرجا، نه تنها تصویری روشن از بحران ارائه نکرد، بلکه پرده از واقعیتی برداشت که ۱۲درصد قربانیان اصلاً فرصت رسیدن به بیمارستان را پیدا نمی‌کنند و همان لحظه تصادف جانشان را از دست می‌دهند. این یعنی جان‌هایی که می‌شد، نجات داد اگر جاده این بود، اگر خودرو استاندارد بود و اگر پای نظارت‌هاست نشده بود.**

■ **جاده‌های کم‌مرگ می‌کند** سردار محمدباقر سلیمی، معاون عملیات پلیس راهور، با اشاره به اینکه «هر ۲۰ دقیقه، یک ایرانی جان می‌دهد»، می‌گوید در تصادفات اکنون سومیان عامل مرگ‌ومیر در کشور است، در حالی که در جهان در جایگاه نهم قرار دارد.

حصولات

سرویس حوادث، ۸۵۲۳۰۶۰

۲۰ تن موادمخدر در تهران امحا شد

سردار رادان: هزینه جرائم باید باز دارنده باشد، نه تشویق کننده



با موادمخدر» توصیف کرد و گفت: «پایتخت به دلیل جایگاه سیاسی واجتماعی، حساسیت بالایی دارد و پلیس مأموریت‌های گسترده‌ای را در مقابله با معتادان متجاهر و شبکه‌های ملی توزیع برعهده گرفته است.» فرمانده فرجا با اشاره به کمپ‌های ترک اعتیاد افزود: «کنون بیشتر کمپ‌ها علاوه بر ترک اعتیاد، به کارگاه‌های حرفه‌آموزی تبدیل شده‌اند تا معتادان پس از خروج، شغل و کسب‌وکار شرافتمندانه داشته باشند.» فرمانده کل انتظامی بر ضرورت بازدارندگی قوانین تأکید کرد و گفت: «هزینه جرائم باید انقدر بالا باشد که بازدارنده باشد، نه تشویق کننده.»

■ **گزارش فرمانده انتظامی تهران بزرگ**

سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی تهران بزرگ هم با اشاره به تأکیدات فرمانده کل فرجا گفت: «مردم، پلیس را در دو حوزه ارزیابی می‌کنند؛ وضعیت معتادان متجاهر و نحوه برخورد با توزیع کنندگان موادمخدر. این دستور از همان روز اجرا شد.»

وی از کاهش تعداد معتادان متجاهر از ۲۱ هزار نفر به کمتر از ۱۱ هزار نفر خبر داد و افزود: «کنون در یک شبانه‌روز بیش از ۱۵۰ نفر در سطح شهر جمع‌آوری نمی‌شوند و بسیاری هویت مشخص یا تست منفی دارند.»

سردار محمدیان به پاکسازی نقاط آلوده پایتخت اشاره و خاطر نشان کرد: «دره فرحزاد که روزی ورود به آن دشوار بود، اکنون به پارک عمومی تبدیل شده است و محلات جنوب‌شرق تهران نیز کاملاً پاکسازی شده‌اند. خانه‌های پلاک قرمز شناسایی و با مسودوسازی فعالیت آنها، امکان فعالیت مجدد گرفته شده است.»

فرمانده انتظامی تهران بزرگ در پایان تأکید کرد که امروز بیش از ۲۰ تن موادمخدر امحا شده و پلیس با تمام توان در حال مقابله با قاچاقچیان و خرده‌فروشان است تا امنیت و آرامش شهروندان تضمین شود.

مرگ در جاده‌های کشور همچنان ارزان است



■ **حسین فصیحی**

آمار تازه پلیس راهور فرجا تصویری تکان دهنده از امنیت جاده‌ای کشور ترسیم می‌کند؛ روزانه ۵۵ کشته، ۶۰۰ مجروح و ۷۰۰ کشته، جانب‌اختگان در همان صحنه تصادف می‌دست می‌روند. این ارقام نشان می‌دهد بحران سوانح رانندگی مسئله‌ای تصادفی نیست، بلکه محصول ترکیبی از فرسودگی قوانین، ضعف زیرساخت‌ها، فرسودگی ناوگان و کاستی‌های سیستم اسداد و درمان است و هزینه‌اش چیزی حدود ۱۷/۷ درصد از بودجه سالانه کشور برآورد شده است.

بیش از نیمی از جانب‌اختگان زیر ۴۰ سال هستند، نسلی که باید ستون فرهای کشور باشد، نه قربانی «جنگ پنهانی» که او از آن نام برد. اما پرسش مهم‌تر این است: چطور از دوره‌ای که باقانون‌گذاری و نظارت‌های قوی توانستیم سالانه هزاران جان را نجات دهیم، به امروزی رسیدهایم که دوباره آمارها رو به صعود گذاشته‌اند؟ پاسخ طبق گفته مسئولان روشن است؛ خودروهای کیفیت هستند، قوانین قدیمی شده، بازدارندگی کم و نظارت‌ها ضعیف شده و بخش زیادی از خودروها نیز فرسوده‌اند.

■ **مرگ در چند دقیقه** آمارهای رسمی حیرت آورند؛ روزانه ۵۵ نفر جان می‌دهند، ۶۰۰ تا ۷۰۰ نفر مجروح می‌شوند، هزینه‌های ناشی از تصادف‌ها ۱۷/۷ درصد بودجه کشور را می‌بلعد و مرگ هر فرد ۱۷/۱ میلیارد تومان خسارت دارد. براساس گزارش پلیس، ۵۲ درصد قربانیان در صحنه تصادف می‌میرند، ۶ درصد در مسیر انتقال و ۴۲ درصد در بیمارستان‌ها. این اعداد تنها آمار نیست، نشانه ضعف در چند

حلقه مهم است، از جمله امداد و نجات قسری، ایمنی خودرو، ایمنی جاده، استانداردهای درمانی و حتی فرهنگ رانندگی. وقتی نیمی از جان‌ها اصلاً فرصت درمان پیدا نمی‌کنند، یعنی سیستم ایمنی از ریشه مشکل دارد. هزاران جان را نجات دهیم، به امروزی رسیدهایم که دوباره آمارها رو به صعود گذاشته‌اند؟ پاسخ طبق گفته مسئولان روشن است؛ خودروهای کیفیت هستند، قوانین قدیمی شده، بازدارندگی کم و نظارت‌ها ضعیف شده و بخش زیادی از خودروها نیز فرسوده‌اند.

■ **حلقه‌های مفقوده‌ای که جان می‌گیرند**

سلیمی می‌گوید ۶۲ درصد تصادفات در محوطه دود ۳ کیلومتری شهرها رخ می‌دهد، همانجا که نه جاده، جاده است و نه شهر، شهر. آلودگی بصری، عبور و سرتعت سالاا خودروها ترکیبی از بی توجهی‌هاست که نتیجه‌اش مرگ می‌شود. بخش دیگر داستان، موتورسوارانی هستند که ۲۲ درصد از تلفات را تشکیل می‌دهند و عابران پیاده با ۲۰ درصد سهم، دو گروهی که بیشترین آسیب‌پذیری را دارند و کمترین سهم را از آموزش و ایمنی.

■ **تصمیم سخت هنوز گرفته نشده**

با وجود تصام هشدارها، مسیرها و سیاست‌ها انقدر کند پیش می‌روند که

سه‌شنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۴ | ۲۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۷

یادداشت

نقدی

بر گفت‌وگو با «هانی کرده»



بابک نمک‌شناس

کارشناس امور رسانه و عملیات روانی

در روزهایی که جامعه بیش از هر زمان دیگری نیازمند الگوهای مثبت، چهره‌های الهام‌بخش و روایت‌های امیدبخش است، انتشار مصاحبه با فردی که سابقه حضور در پرونده‌های متعدد خشونت، نزاع خیابانی و درگیری با قانون را دارد، پرسش‌های جدی و قابل تأملی را مطرح می‌کند. گفت‌وگوی اخیر مجید واشقانی با هانی کرده — که پس از واکنش‌های گسترده از صفحات رسمی حذف شد — صدقای روشنی از پدیده‌ای است که جامعه‌شناسان رسانه آن را «قهرمان‌سازی معکوس» می‌نامند، یعنی تبدیل رفتارهای ناهنجار به موضوعی عادی، جذاب و حتی قابل همذات‌پنداری.

در چنین شرایطی، طرح چند پرسش ضروری به نظر می‌رسد؛ پرسش‌هایی که مستقیماً خطاب به مجید واشقانی — به عنوان فردی شناخته شده در عرصه هنر و رسانه — مطرح می‌شود: ۱ — چه ملاحظه حرفه‌ای یا ارزش رسانه‌ای، انتخاب چهره‌ای با پیشینه خشونت و رفتارهای ضداجتماعی را به‌عنوان میهمان یک گفت‌وگوی رودرو توجیه می‌کند؟

در شرایطی که نوجوانان و جوانان بخش عمده مخاطبان فضای مجازی هستند، انتقالب چنین فردی برای گفت‌وگو، چه پیام پنهانی به مخاطب منتقل می‌کند؟ آیا این تصمیم با مسئولیت اخلاقی واجتماعی صاحبان تریبون سازگار است؟ ۲ — هدف برنامه از این مصاحبه چه بود؟

اگر هدف آسیب‌شناسی و بازنمایی روند سقوط یک به‌کار بوده، چرا گفت‌وگو با چارچوب علمی، هشدارآمیز و تحلیلی پیش نرفته است؟ چرا پاسخ‌ها بیشتر به طعن و نمایش جنجال شباهت داشت تا بازدارندگی اجتماعی؟ ۳ — آیا تبدیل چهره‌های پر حاشیه به «ستاره‌های گفت‌وویی»، باعث نمی‌شود مرز میان الگوی مثبت و مخرب در ذهن نوجوانان مخدوش شود؟

مطالعات روانشناسی اجتماعی نشان می‌دهد برجسته‌سازی بهرکاران خشونت‌ورز، احتمال رفتارهای تقلیدی را در نوجوانان افزایش می‌دهد. آیا این خطر در چنین مصاحبه‌ای مورد توجه قرار گرفته بود؟

۴ — چرا روایت فردی که بارها به دلیل اخلال در نظم عمومی با قانون روبه‌رو شده، بدون حضور کارشناس اجتماعی، روانشناس یا حتی نماینده نیروی انتظامی ارائه شد؟

حذف این نگاه کارشناسی، گفت‌وگو را از سطح «تحلیل آسیب» به سطح «تماشای هیجان» تنزل می‌دهد، روندی که نه تنها سودی برای جامعه ندارد، بلکه به بازنمایی جذاب یک سبک زندگی ناهنجار منجر می‌شود.

در شرایطی که خشونت‌های شهری از یک‌سو به عنوان یک آسیب اجتماعی جدی می‌توانند فرایگیر شوند، نظم و امنیت اجتماعی را مختل کنند و بر کیفیت زندگی و سلامت جامعه اثر منفی بگذارند و از سوی دیگر، نوجوانان و جوانان بیش از هر گروه دیگری به معرض تأثیرپذیری از الگوهای نادرست و خشونت‌های شهری قرار دارند، رسانه‌ها به‌ویژه چهره‌های شناخته شده شایسته است به حساسیت نقش خود واقف باشند.

روایت زندگی فردی با سابقه رفتارهای تهاجمی زمانی ارزشمند است که با رویکردی بازدارنده و اصلاح‌محور ارائه شود، نه در قالب یک گفت‌وگوی جذاب، بی‌پرسشگری جدی و خالی از چارچوب حرفه‌ای.

آنچه امروز به آن نیاز داریم، قهرمان‌سازی از مسیر تلاش، خلاقیت و مسئولیت‌پذیری است، نه از مسیر حاشیه، خشونت و شهرت ناگهانی. مصاحبه اخیر بیش از آنکه آگاهی‌بخش باشد، به تقویت همین چرخه تکرار کننده انجامیده است.

امید است، صاحبان تریبون و از جمله مجید واشقانی به عنوان یک شخصیت شناخته شده در حوزه فرهنگ، هنر و رسانه پیش از هر گفت‌وگو و تولید محتوایی از خود بپرسند: آیا این محتوا آبنده‌ای همین‌تر برای جامعه و نسل جوان می‌سازد یا تنها مخاطب بیشتری جذب می‌کند؟

بدون شک پاسخ به همین پرسش کوتاه، مرز میان «مسئولیت رسانه‌ای» و «هیجان آفرینی کوتاه‌مدت» است.

هشدار درباره موج تنوع موادمخدر

مدیر گروه اعتیاد دانشگاه علوم پزشکی ایران با هشدار نسبت به افزایش تنوع موادمخدر و گسترش ترکیبات نوظهور گفت این روند بسیاری از جوانان و نوجوانان را درگیر کرده و تمرکز صرف بر خطرات یک ماده خاص، رویکردی اشتباه و غیر علمی است. او تأکید کرد دستگاه‌های نظارتی و انتظامی باید منشأ تولید و توزیع مواد زیرزمینی را شناسایی و با آن مقابله کنند.

به گزارش «جوان» دکتر محمدباقر صابری زفرقندی در گفت‌وگو با روابط عمومی ستاد مبارزه با موادمخدر با بیان اینکه دامنه موادمخدر، ترکیبات جدید و با مکانیسم اثر متفاوت، بسیار زیاد است، گفت: تنوع موادمخدر متناسب با وضعیت جوانان و نوجوانان نه تنها در ایران بلکه در کل جهان تولید می‌شود.

وی با بیان اینکه تنوع موادمخدر آسیبی است که گریبان خیلی از افراد را گرفته است، تأکید کرد: ما هیچ‌گاه نباید صرفاً روی خطرات یک نوع ماده مخدر تمرکز داشته باشیم و تمام حواس‌ها را به سمت خطرات یک ماده مخدر خاص جلب کنیم، زیرا این روش صحیح و علمی نیست.

وی به نقش سیستم‌های نظارتی، امنیتی و انتظامی درباره جلوگیری و مقابله با انواع و اقسام موادمخدر و رصد آنها پرداخت و گفت: نهادهای مذکور باید موارد مربوطه را رصد و ریشه‌ها و منشأ اصلی تولید و توزیع موادمخدر را شناسایی کنند و به مقابله با ورود با آن بپردازند.

مدیر گروه اعتیاد دانشگاه علوم پزشکی ایران تأکید کرد: درباره مخدرهای زیرزمینی نیز که به منظور اهداف خاص تولید و توزیع می‌شود، بیشتر نیازمند مداخلات انتظامی و آگاهی‌بخشی به مردم حتی به سوءمصرف کنندگان مواد مخدر هستیم.

آتش‌سوزی مرگبار در کارگاه رنگ‌گری

آتش‌سوزی در یک کارگاه رنگ‌گری در شهرک گلریز تهران، جان یکی از کارگران را گرفت. حادثه آتش‌سوزی در کارگاه رنگ‌گری شهرک گلریز ساعت ۱۰:۴۳ صبح روز گذشته در بزرگراه آزادگان، خیابان صنعت رخ داد و با اعلام آن به سامانه ۱۲۵، سه ایستگاه آتش‌نشانی به همراه تانکر آب و خودروی تجهیزات تنفسی به محل اعزام شدند. به گفته جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران، محل حادثه یک مجتمع کارگاهی بود که چندین واحد در آن فعالیت داشتند. کارگاه دچار حریق، فضای حدود ۲۰۰ متر مربع داشت و مقدار زیادی تخته، MDF، بشکه‌های تینر و ظروف رنگ در آن نگهداری می‌شد؛ همین مواد باعث

